

از ریشه «ص - د - د» به معنای بازداشتن و روی گرداندن برگرفته شده است.^۲ در لغت، احصار به بازداشتگی ناشی از بیماری گفته می‌شود.^۳ احصار در فقه امامی، عبارت است از بیمار شدن احرام گزار هنگام مناسک حج یا عمره؛ به گونه‌ای که از اتمام آن ناتوان گردد.^۴ برخی فقیهان متأخر، مجروح یا شکسته‌استخوان را در حکم محصور یا ملحق بدان می‌دانند.^۵ «صد» یعنی بازدارندگی دشمن از ورود احرام گزار به مکه، در عمره یا حج و یا جلوگیری از وقوف وی در مشعر و عرفات، در حج. مهم‌ترین خاصیت‌گاه این دو تعریف در فقه امامی، حدیث‌های امامان علیهم‌السلام است؛ از جمله روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه‌السلام که به این دو تعریف و تغایر میان مفهوم آن دو تصریح کرده است: «المحصور غیر المصدود؛ المحصور هو المريض و المصدود هو الذی یرده المشرکون کما ردوا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و أصحابه»؛ محصور جز مصدود است.

۲. العین، ج ۷، ص ۸۰؛ الصحاح، ج ۲، ص ۴۹۵؛ النهایه، ج ۳، ص ۱۵.
۳. معجم الفروق اللغویه، ص ۲۴؛ معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۷۲، «حصر».
۴. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ المهذب، ج ۱، ص ۲۷۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۳۸.
۵. مناسک حج، امام خمینی، ص ۵۰۶؛ المعتمد، ج ۵، ص ۴۴۹. «کتاب الحج»: کتاب الحج، فاضل، ج ۵، ص ۴۷۶.
۶. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ المهذب، ج ۱، ص ۲۷۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۴۱.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۴؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۳.

الزیارة الجامعه: شیخ احمد احسائی، بیروت، دار المفید، ۱۴۲۰ق؛ سفرنامه میرزا محمد حسین حسینی فراهانی: فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، فردوسی، ۱۳۶۲ش؛ شرح العرشیه: شیخ احمد احسائی، ایران، ۱۲۷۱ق؛ شهداء الفضیله: عبدالحسین بن احمد الامینی التبریزی (م. ۱۳۹۰ق)، قم، دار الشهاب؛ شیخ احمد احسائی: مرتضی مدرسی چهاردهی، تهران، بنگاه مطبوعاتی علمی، ۱۳۳۴ق؛ الشیخیه نشأتها و تطورها و مصادر دراستها: محمد حسن آل طالقانی، بیروت، آمال للمطبوعات، ۱۴۲۰ق؛ شیخیگری بایبگری از نظر فلسفه، تاریخ و اجتماع: مرتضی مدرسی چهاردهی؛ فهرست کتب مشایخ عظام: ابوالقاسم خان ابراهیمی، کرمان؛ قصص العلماء: میرزا محمد تنکابنی، بیروت، دار المحجبه، ۱۴۱۴ق؛ مکیال المکارم: محمد تقی الموسوی الاصفهانی (م. ۱۳۴۸ق)، به کوشش سید علی عاشور، بیروت، الاعلمی، ۱۴۲۱ق؛ هدایة الطالبین: محمد کریم کرمانی، ۱۳۸۰ق.

سید خلیل طاووسی



احصار ← احصار و صد

احصار و صد: بازماندن از ادای حج یا

عمره پس از احرام، بر اثر مانع بیرونی

واژه «احصار» از ریشه «ح - ص - ر» به معنای بازداشتن، تنگ گرفتن و احاطه کردن^۱ و «صد»

۱. النهایه، ج ۱، ص ۳۹۵؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۵، «حصر».

محصور کسی است که بیمار شود؛ ولی مصدود آن است که مشرکان مانع انجام حج یا عمره او گردند؛ چنان که مانع انجام مناسک پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان شدند.

در فقه حنفی، احصار مفهومی گسترده دارد و با هر چه مانع حج گزاردن محرم شود، تحقق می‌یابد؛ همچون: بازدارندگی دشمن، بروز بیماری، نبودن هزینه سفر، و درگذشت همسر یا محرم زن.^۱ به باور فقیهان مالکی^۲ و شافعی^۳ و نظر مشهور فقه حنبلی^۴ احصار تنها با بازدارندگی دشمن محقق می‌شود؛ مفهومی که در فقه امامی معنای مصطلح واژه «صد» است. «صد» در برخی منابع فقهی اهل سنت به چشم می‌خورد،^۵ اما معنایی مصطلح نیافته است. احصار را گاه به عام و خاص قسمت کرده‌اند.^۶ احصار و صد در فصل حج منابع فقهی، بخشی مهم را به خود اختصاص داده است.

از مؤیدات دیدگاه امامیان درباره مفهوم احصار و صد، نظر بسیاری از واژه‌پژوهان است که احصار را بازداشتگی به سبب بیماری

دانسته‌اند.^۷ محمد بن ادریس شافعی با استناد به حدیث‌های برخی صحابه، احصار را ممنوعیت به سبب بیماری و حصر را بازداشتگی به سبب دشمن شمرده است.^۸ افزون بر مفسران امامی^۹، برخی مفسران اهل سنت نیز در تفسیر «فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ» در آیه ۱۹۶ بقره/۲، معنای لغوی احصار را منع به سبب بیماری دانسته^{۱۰} و احصار در این آیه را بازداشتگی از انجام مناسک به سبب هراس از دشمن، تفسیر کرده‌اند و نه خود مانع شدن دشمن. آنان ادامه آیه را مؤید این تفسیر شمرده‌اند: «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ»؛ از آن روی که امنیت هنگامی پدید می‌آید که هراس از دشمن از میان رود.^{۱۱}

در منابع فقهی، کسی که به سبب احصار از اتمام حج بازماند، «محصور» یا «مُحْصَر» و آن که بر اثر «صد» توفیق اتمام حج نیابد، «مصدود» خوانده می‌شود. از اصطلاحات مرتبط با «احصار» و «صد»، تعبیر «فوات حج» است که مقصود از آن، نرسیدن به وقوف در عرفات و مشعر پس از احرام^{۱۲} یا تنها نرسیدن

۱. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳.

۳. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۴.

۴. المعنی، ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۵. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۶؛ فتح الغریز، ج ۸، ص ۵۷-۵۸؛

حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۱۴-۱۵.

۶. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۳۲.

۷. الصحاح، ج ۲، ص ۶۳۲؛ «حصر»؛ معجم الفروق اللغویة، ص ۲۴.

۸. الام، ج ۲، ص ۱۷۸.

۹. التبیان، ج ۲، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۱۰. تفسیر عبدالرزاق، ج ۱، ص ۷۴؛ جامع البیان، ج ۲، ص ۲۹۲-

۲۹۴.

۱۱. جامع البیان، ج ۲، ص ۲۹۴.

۱۲. الدروس، ج ۱، ص ۴۲۶؛ الحدائق، ج ۱۶، ص ۴۶۱.

به وقوف در عرفات پس از احرام^۱ است.

۱. **پیشینه:** در چند آیه قرآن کریم، به موضوع احصار و صد، تصریح یا اشاره شده است. از جمله آیه ۱۹۶ بقره/۲ می‌فرماید: ﴿وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ...﴾ به باور محدثان^۲ و مفسران^۳ این آیه در رویداد حدیبیه^۴ نازل شد. هنگامی که پیامبر گرامی ﷺ همراه با جمعی از مسلمانان برای ادای مناسک راهی مکه شد، مشرکان مکه ایشان را از این کار بازداشتند. از این رو، ایشان در حدیبیه شتر خود را به عنوان قربانی مناسک عمره، نحر کرد و از احرام خارج شد. این آیه و آیه ۲ مائده/۵ حاوی برخی احکام احصار و صد هستند. در آیات ۲۵ فتح/۴۸، ۲۵ حج/۲۲ و ۳۴ انفال/۸ کسانی که مسلمانان را از ادای مناسک حج بازمی‌دارند، نکوهش شده‌اند.

افزون بر رویداد حدیبیه، در مواردی دیگر نیز برای بزرگان دین احصار در حج رخ داده است؛ از جمله امام حسین علیه السلام بر اثر بیماری در عمره دچار احصار شد و با نحر شتر و حلق از احرام بیرون آمد و پس از بهبود، عمره دیگری به جا آورد.^۵ نیز در منابع تاریخی، مواردی از

احصار و صد به چشم می‌خورد؛ از جمله:

۱. ممانعت عبدالله بن زبیر از طواف کعبه و سعی میان صفا و مروه در سال ۷۲ق.^۶
۲. درگیری میان امیر الحاج و امیر مکه در موسم حج سال ۵۵۷ق. به گونه‌ای که بیشتر حج‌گزاران نتوانستند وارد مکه شده، حج خود را تمام کنند.^۷ بازدارندگی کامل و لشکریانش از حج‌گزاری خضر بن سلطان صلاح الدین و همراهانش در ناحیه بدر، پس از احرام آن‌ها در سال ۶۱۰ق.^۸ آشوب و غارت عرفات و مکه در سال ۶۹۸ق. که به کشته و زخمی شدن شماری از حاجیان انجامید.^۹ آشوب و درگیری در منا میان مصریان و حجازیان به سال ۷۰۵ق.^{۱۰}
۳. درگیری در سال ۷۴۳ق. در عرفه میان امیر الحاج و اشراف که موجب اخلال در ادای برخی از مناسک حج شد.^{۱۱} فتنه و درگیری به سال ۸۱۷ق. در ایام حج در منا که ریشه آن، ستیز میان امیر الحاج مصر و یکی از فرماندهانش بود و موجب زخمی شدن شماری بسیار از حج‌گزاران گشت.^{۱۲}

۵. الکامل، ج ۴، ص ۲۵۰.

۶. الکامل، ج ۱۱، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۷. تاریخ الاسلام، ج ۴۳، ص ۴۱.

۸. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۱۰.

۹. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۱۱.

۱۰. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸.

۱۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۳.

۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۱۷؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۶۸-۳۶۹.

۳. احکام القرآن، شافعی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ جامع البیان، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۲.

۸. تصرف مکه به دست وهابیان در سال ۱۲۱۹ق. که وقوف اهالی مکه در عرفه را مانع شد.^۱ ۹. جلوگیری از حج‌گزاری جمعی از ایرانیان و یکی از عالمان ایرانی پس از احرام در مسجد شجره، به دست گروهی از اعراب در حدود نیمه قرن ۱۴ق.^۲ ۱۰. بسته شدن درهای مسجدالحرام و کشتار برخی از زائران در سال ۱۴۰۰ق. به دست وهابی افراطی، جهیمان العتیبی.^۳

◀ تفاوت احصار و صدّ در احکام: به

نظر مشهور فقیهان امامی، احکام احصار و صدّ در شش جنبه با هم تفاوت دارند:

۱. تحلّل* مصدود درباره همه محرّمات احرام جاری می‌شود؛ اما تحلل محصور در زمینه ممنوعیت کامیابی جنسی، منوط به ادای طواف نساء است.^۲ در وجوب قربانی برای تحلّل محصور اتفاق نظر وجود دارد؛ ولی در وجوب آن برای مصدود اختلاف نظر است.
۳. محل ذبح قربانی برای مصدود، همان مکان ایجاد مانع است؛ اما در احصار، محل قربانی حج گزار، منا و مکان قربانی عمره گزار، مکه است.^۴ درباره وجوب حلق یا تقصیر برای تحلل محصور، اتفاق نظر یافت می‌شود؛ اما وجوب آن برای مصدود اختلافی است.

۵. تحلّل مصدود در محل صدّ، قطعی و تخلف ناپذیر است؛ ولی تحلل محصور بر پایه وعده و قرار است و احتمال تخلف در آن می‌رود.^۶ اشتراط تحلّل، موجب تحلّل محصور هنگام بروز بیماری می‌گردد و قربانی کردن لازم نیست؛ ولی برای مصدود، ساقط شدن قربانی با اشتراط، مورد اختلاف نظر است.^۴

صدّ از آن رو که از مصداق‌های برجسته «صدّ عن سبیل الله» به شمار می‌رود، از نظر شرعی حرام است و آیات گوناگون بر آن دلالت دارند، از جمله: ۱۶۷ نساء/۴، ۳۴ و ۴۷ انفال/۸، ۳ ابراهیم/۱۴، ۸۸ و ۹۴ نحل/۱۶، ۲۵ حج/۲۲، ۳۲ محمد/۴۷.

◀ مهم‌ترین احکام محصور و مصدود:

۱. چگونگی تحقق احصار و صدّ: فقیهان امامی بر آنند که احصار یا صدّ در حج هنگامی تحقق می‌یابد که ناتوانی از وقوف در عرفات و مشعر با هم حاصل شود یا وقوف در یکی از آن دو ممکن نگردد و زمان حج نیز سپری شود.^۵ در این زمینه ادعای اجماع و عدم خلاف^۶ شده است. اگر این ناتوانی پس از

۴. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۶-۳۸۷؛ فقه الصادق، ج ۱۲، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۵. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۴۰۱-۴۰۲؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۲۹۲-۳۰۱؛ مناسک حج، امام خمینی، ص ۵۰۸-۵۱۴.

۶. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۲۹۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۳۷.

۱. تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۲. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۳. المهدي المنتظر، ص ۱۰۱.

حنفیان^۷ و اندکی از حنبلیان^۸ آن را احصار به شمار نمی‌آورند و بر این باورند که در این حالت، تحلل با ادای اعمال عمره حاصل می‌شود. فقیهان شافعی، مالکی و حنبلی این صورت را احصار می‌شمردند؛ هر چند باور دارند که تحلل با انجام دادن اعمال عمره فراهم می‌گردد.^۹ اگر ممنوعیت تنها از طواف افاضه رخ دهد، به نظر حنفیان و مالکیان، احصار محقق نمی‌شود.^{۱۰} در این فرض، شافعیان قائل به تحقق احصار هستند.^{۱۱} از دید حنبلیان، اگر منع از طواف پس از وقوف در عرفه و پیش از رمی جمره عقبه رخ دهد، احصار تحقق می‌یابد؛ ولی اگر منع از طواف پس از رمی جمره عقبه باشد، احصار محقق نمی‌شود.^{۱۲}

در صورت پدیداری احصار و صد با هم، برخی از فقیهان امامی قائل به تخییر و حق انتخاب احرام‌گزار میان حکم آن دو هستند^{۱۳}؛ یعنی وی می‌تواند حکم آسان‌تر را

وقوف در مشعر و عرفات، یعنی هنگام نزول در منا پدید آید، به نظر شماری از فقیهان امامی، احصار یا صد تحقق نمی‌یابد؛ بلکه باید برای رمی و ذبح قربانی نایب گرفت و پس از حلق یا تقصیر و خروج از احرام، به بقیه اعمال پرداخت.^۱ اگر فرد از ورود به منا و مکه باز داشته شود، برخی از فقیهان امامی آن را از مصادیق احصار یا صد می‌دانند.^۲ به باور فقیهان امامی، احصار یا صد در عمره، با ممنوعیت از رسیدن به مکه^۳ یا ممنوعیت از انجام دادن اعمال عمره پس از رسیدن به مکه^۴ تحقق می‌یابد. در صورت ناتوانی از طواف یا سعی نیز برخی قائل به تحقق احصار یا صد شده‌اند.^۵

فقیهان اهل سنت اتفاق نظر دارند که اگر احرام‌گزار هم از وقوف در عرفات و هم طواف افاضه ناتوان گردد، احصار تحقق می‌یابد.^۶ اگر ممنوعیت تنها از وقوف باشد،

۱. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۷۱؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۲۹۲-۳۰۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۶.
۲. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۷۲.
۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۳؛ مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۴۰۰، ۴۱۱.
۴. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۸۳؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۶۷، ۳۷۲؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۸.
۵. کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۰۱؛ ریاض المسائل، ج ۷، ص ۲۰۱؛ مناسک حج، امام خمینی، ص ۵۰۷.
۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۴؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۱۴؛ اللباب، ج ۱، ص ۲۱۴.
۸. نک: المغنی، ج ۳، ص ۳۷۴.
۹. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۸؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۹۵-۹۶.
۱۰. مختصر خلیل، ص ۷۷؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۹۵؛ تبیین الحقائق، ج ۲، ص ۸۱.
۱۱. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۸-۳۰۲.
۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۴؛ مطالب اولی النهی، ج ۲، ص ۴۵۹.
۱۳. المهذب البارع، ج ۲، ص ۲۲۵؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۲۴.

برگزینند.^۱ به باور آنان، این حالت مصداق هر یک از دو وصف احصار و صد است؛ پس عمل به حکم هر یک از آن دو رواست.^۲ اندکی از فقیهان بر آنند که اگر یکی از آن دو زودتر پیش آید، باید به حکم همان عمل شود و اگر با هم رخ دهند، باید به حکم احصار عمل گردد.^۳

۲۷. تحلل، حکم مشترک محصور و

مصدود: حکم مشترک محصور و مصدود که همه فقیهان امامی^۴ و اهل سنت^۵ بدان باور دارند، تحلل یعنی خروج از احرام و حلال شدن محرّمات احرام است. مستند این حکم، نصّ قرآن کریم در آیه ۱۹۶ بقره/۲ و حدیث‌های^۶ مربوط به تحلل پیامبر گرامی ﷺ و یاران ایشان در سال حدیبیه، و نیز اجماع و روایات خاص^۸ است. مالک بن انس به تحلل

محصور در عمره باور ندارد؛^۹ بدین استناد که عمره بر خلاف حج، دارای زمان خاص نیست و کسی که در عمره محصور شود، در هر زمان دیگر پس از حصر می‌تواند اعمالش را به جا آورد.^{۱۰}

بر پایه فقه امامی، تحلل مصدود با قربانی کردن؛ و به باور برخی فقیهان، با حلق یا تقصیر حاصل می‌شود. نیز تحلل محصر با قربانی و حلق یا تقصیر صورت می‌پذیرد. به نظر مشهور شافعیان و بیشتر حنبلیان، تحلل در احصار با قربانی و حلق فراهم می‌آید. مالکیان بر آنند که تحلل محصر تنها با نیت تحلل صورت می‌گیرد و بیشتر فقیهان حنفی باور دارند که تحلل تنها با قربانی کردن حاصل می‌شود. (ادامه مقاله ← قربانی، حلق و تقصیر^{*})

به نظر فقیهان امامی، با قربانی کردن؛ و به باور برخی، هم قربانی و هم حلق یا تقصیر، همه محرّمات احرام برای مصدود حلال می‌گردد.^{۱۱} مستند آنان تحلل پیامبر گرامی ﷺ در رویداد حدیبیه پس از ذبح قربانی^{۱۲} و نیز مفاد صحیح^{۱۳} معاویه بن عمار از امام

۱. الدروس، ج ۱، ص ۴۸۳؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ریاض المسائل، ج ۷، ص ۱۹۷.
۲. ریاض المسائل، ج ۷، ص ۱۹۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۱۳.
۳. کشف الغطاء، ج ۲، ص ۴۷۱.
۴. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۳۸۵؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۶؛ الاحصار و الصد، ص ۵.
۵. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۴؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۴.
۶. الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۷۳؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۷؛ النهایة، ج ۱، ص ۴۲۸. «حلل».
۷. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۱۷؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۶۸-۳۶۹.
۸. نک: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۱۴.

۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۱.
۱۰. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۱.
۱۱. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۱۳؛ الاحصار و الصد، ص ۵.
۱۲. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۳۹.
۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۴؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۳.

انجام عمره مفرده دیگر پس از رفع بیماری حاصل خواهد شد.^۸ دلیل اصلی این حکم، صحیحه معاویة بن عمار، حاکی از انجام عمره مفرده امام حسین علیه السلام پس از احصار ایشان است.^۹ برخی از فقیهان امامی برای تحلل کامل حتی در زمینه کامیابی جنسی، ذبح قربانی را کافی می‌دانند و عمره دیگر را واجب نمی‌شمرند.^{۱۰} دلیل آنان، وجود نداشتن طواف نساء در عمره تمتع است.^{۱۱}

مذاهب اهل سنت در مورد محصور (مطابق تعریف خود برای احصار) قائل به تحلل کامل از همه محرمات حتی کامیابی جنسی هستند.^{۱۲} پشتوانه آن‌ها اطلاق آیه ۱۹۶ بقره/۲ و حدیث‌های مربوط به تحلل پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در رویداد حدیبیه است که در آن، کامیابی جنسی استثنا نشده است.^{۱۳}

به نظر فقیهان امامی^{۱۴} و اهل سنت^{۱۵} حکم

صادق علیه السلام است.^۱ ولی برای محصور در حج واجب، به نظر مشهور فقیهان امامی، به استناد روایات^۲، با ذبح قربانی و حلق یا تقصیر، همه محرمات احرام جز کامیابی جنسی حلال می‌شود و تحلل در این زمینه منوط به انجام دادن مناسک در سال آینده است. در حج مستحب، تحلل کامیابی جنسی، منوط به آن است که شخصی دیگر به نیابت از محصور، طواف نساء را به جا آورد.^۳

مستند این حکم، روایت‌های دلالت‌گر بر مشروعیت نیابت در طواف نساء^۴، عدم وجوب قضای حج مستحب، و دشواری تداوم حرمت کامیابی جنسی است.^۵ شماری از فقیهان به استناد برخی روایات^۶، دامنه تحلل محصور در حج مستحب را عام و شامل همه محرمات دانسته‌اند.^۷

به نظر همه فقیهان امامی، در عمره مفرده؛ و به نظر مشهور آنان در عمره تمتع، حصول تحلل کامل حتی در زمینه کامیابی جنسی، با

۸. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۴۰۵؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۷۶؛ المعتمد، ج ۵، ص ۴۵۱-۴۵۲، «کتاب الحج».

۹. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹-۳۷۰؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۱۰. الدرر، ج ۱، ص ۴۷۶؛ مناسک الحج، تبریزی، ص ۲۱۹؛

مناسک حج، بهجت، ص ۱۵۶.

۱۱. الدرر، ج ۱، ص ۴۷۶-۴۷۷.

۱۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۱؛

حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳.

۱۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۴.

۱۴. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۵-۴۲۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۹؛

کتاب الحج، خوبی، ج ۵، ص ۴۲۸.

۱۵. الام، ج ۲، ص ۱۷۳؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۶۵۰.

۱. مجمع الفائده، ج ۷، ص ۳۹۷.

۲. مجمع الفائده، ج ۷، ص ۴۱۳-۴۱۴.

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ المهذب، ج ۱، ص ۲۷۰؛ تحریر

الاحکام، ج ۲، ص ۷۹.

۴. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۸.

۵. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۷۰۳؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۲۱.

۶. المقنعه، ص ۴۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۰.

۷. المقنعه، ص ۴۴۶؛ نک: المراسم، ص ۱۱۸؛ الحدائق، ج ۱۶،

ص ۴۵.

تحلل، رخصت است نه عزیمت؛ یعنی تحلل در وضع خاص احصار و صد مباح می شود و واجب نیست. از ادله جواز تحلل، قاعده نفی عسر و حرج (لا حرج) است.^۱ فقیهان امامی^۲ و حنبلی^۳ بر آنند که مستحب است شخص محصر تحلل را به تأخیر اندازد تا شاید احصار یا صد از میان برود. فقیهان شافعی تنها در صورت وسعت وقت، قائل به استحباب تأخیر هستند.^۴ فقیهان مالکی در هر حالت، پیش انداختن تحلل را مستحب دانسته اند.^۵ از ادله حنفیان برای شمول حکم تحلل بر محصور، به معنای عام، اطلاق آیه ۱۹۶ بقره ۲، حدیث نبوی، و قیاس است.^۶ دیگر فقیهان اهل سنت برای اختصاص حکم تحلل به محصور، به معنای خاص یعنی حصر از جانب دشمن و حبس و مانند آن، به ادله ای استناد کرده اند؛ از جمله شأن نزول آیه ۱۹۶ بقره ۲ که به حصر پیامبر ﷺ در حدیبیه بازمی گردد و نیز روایتی از ابن عباس که احصار را به بازدارندگی دشمن منحصر دانسته است.^۷

۳. نیت تحلل: فقیهان همه مذاهب

۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۷: القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ عوائد الایام، ص ۲۰۰-۲۰۱.
۲. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۹۵: مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۴۰۷: کشف اللام، ج ۶، ص ۳۱۳.
۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۳.
۴. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۸: مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۳۳.
۵. حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳.
۶. نک: تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۶.
۷. نک: المغنی، ج ۳، ص ۲۷۶-۲۷۷: المجموع، ج ۸، ص ۳۰۸-۳۱۰.

اسلامی در اصل وجوب نیت تحلل برای محصر اتفاق نظر دارند؛ هر چند در برخی جزئیات دارای باورهای گوناگون هستند. فقیهان امامی بر آنند که هم در احصار و هم در صد، نیت تحلل هنگام ذبح قربانی لازم است.^۸ فقیهان شافعی^۹، مالکی^{۱۰}، حنبلی^{۱۱} و حنفی^{۱۲} نیز هنگام فرستادن قربانی به سوی حرم و ذبح، نیت تحلل را ضروری شمرده و گفته اند که ارسال قربانی بدون قصد تحلل موجب احلال نمی شود.

▼ ۴. قربانی: فقیهان امامی با استناد به آیه ۱۹۶ بقره ۲: ﴿فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾، روایات^{۱۳} و نیز اجماع بر آنند که برای تحلل محصر، قربانی لازم است.^{۱۴} اما درباره مصدر دو دیدگاه دارند که نظر مشهور، وجوب قربانی^{۱۵} و نظر غیر مشهور، واجب نبودن آن است.^{۱۶} قائلان به وجوب، به آیه ۱۹۶

۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۳: تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۷۴: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۹.
۹. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۹.
۱۰. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۴: حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳-۹۴.
۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۵.
۱۲. نک: البحر الرائق، ج ۳، ص ۹۹.
۱۳. التهذیب، ج ۵، ص ۴۲۳.
۱۴. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۳-۴۲۴: شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۳: مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۴۲.
۱۵. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۳: شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۱.
۱۶. السرائر، ج ۱، ص ۶۴۱.

دو قربانی به سببی خاص واجب شده است: یکی برای حج قران و دیگری برای تحلل به سبب احصار.^۷ در جایی که قربانی دیگری به سبب نذر یا کفاره بر شخص محصور واجب شده باشد، نیز همین اختلاف دیده می‌شود.^۸ به نظر فقیهان شافعی^۹، حنبلی^{۱۰} و حنفی^{۱۱} به استناد آیه ۱۹۶ بقره ۲/ برای تحلل محصر، قربانی کردن لازم است. به باور فقیهان حنفی، در حج قران، ذبح دو قربانی لازم است؛^{۱۲} زیرا در آن، در حقیقت دو احرام وجود دارد: احرام حج و احرام عمره.^{۱۳} اما دیگر فقیهان اهل سنت در حج قران به وجود یک احرام باور دارند و از این رو، برای تحلل او تنها یک قربانی را کافی می‌دانند.^{۱۴} مالکیان برای تحلل محصر قربانی را لازم نمی‌شمرند^{۱۵} و بر آنند که محصر تنها با نیت تحلل از احرام خارج می‌شود.^{۱۶} آنان

۱۹۶ بقره ۲/ و حدیث‌های تفسیرکننده آن تمسک کرده‌اند که به قربانی کردن پیامبر گرامی در حدیبیه، هنگام مصدود شدن از سوی دشمن، اشاره دارد. از ادله قائلان به عدم وجوب، اصل برائت شخص مصدود از وجوب قربانی است. آنان آیه ۱۹۶ بقره ۲/ را تنها شامل محصور دانسته‌اند، نه مصدود.^۱ اگر محصور در حال ادای حج قران* - حجی که در آن، هنگام احرام، حیوانی برای اشعار یا تقلید همراه احرام گزار است و بعداً قربانی می‌شود - باشد، به نظر مشهور فقیهان امامی^۲ ذبح همین حیوان به عنوان قربانی کافی است.^۳ مستند این نظر آیه ۱۹۶ بقره ۲/ است که بر کفایت قربانی مقدور در هنگام احصار صراحت دارد.^۴ دیگر پشتوانه آنان، صحیحه رفاعه از امام صادق علیه السلام^۵ درباره قربانی کردن امام حسین علیه السلام در حال احصار است. اما برخی فقیهان امامی به وجوب دو قربانی باور دارند؛ یکی برای اشعار یا تقلید و دیگری برای احصار و درآمدن از احرام؛ زیرا هر یک از

۶۴۰: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۴۷-۳۴۸.
 ۷. السرائر، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۴۰: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۴۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۹۰.
 ۸. الدروس، ج ۱، ص ۴۷۷: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۹۰: المعتمد، ج ۳، ص ۴۴۷-۴۴۸، «کتاب الحج».
 ۹. الام، ج ۲، ص ۱۸۰: المجموع، ج ۸، ص ۳۰۲-۳۰۳.
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۱: کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۷-۶۰۸.
 ۱۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶.
 ۱۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹.
 ۱۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹.
 ۱۴. المجموع، ج ۸، ص ۲۸۸.
 ۱۵. الموطأ، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۱: مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۴؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳-۹۴.
 ۱۶. حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳-۹۴.

۱. السرائر، ج ۱، ص ۶۴۱: الحدائق، ج ۱۶، ص ۹.
 ۲. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۹۶: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۹۰؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۱.
 ۳. الکافی فی الفقه، ص ۲۱۸: المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ الاحصار و الصد، ص ۱۳.
 ۴. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۴۷.
 ۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۶.
 ۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۴: السرائر، ج ۱، ص ۶۳۹-

مفاد آیه ۱۹۶ بقره/۲ درباره راندن قربانی را هماهنگ با معنای استحباب می‌شمرند.^۱
درباره قربانی از نکاتی دیگر نیز یاد کرده‌اند:

«**ا. بدل قربانی:** به نظر مشهور فقیهان شیعه، در صورت حاضر نبودن قربانی یا بهای آن، در احصار^۲ و صدأ^۳، بدلی وجود ندارد و وجوب قربانی برداشته می‌شود؛ زیرا در آیه ۱۹۶ بقره/۲ سخن از بدل به میان نیامده و دلیلی شرعی بر وجوب آن در دست نیست.^۴ برخی از فقیهان شیعه^۵، از جمله شماری از معاصران^۶، به استناد روایات^۷ و ادله دیگر^۸ وجود بدل قربانی (۱۰ روز روزه گرفتن) را برای احصار پذیرفته‌اند. فقیهان حنفی^۹ نیز وجود بدل را نمی‌پذیرند؛ زیرا آیه ۱۹۶ بقره/۲ که بر وجوب قربانی در احصار دلالت دارد، از

بدل آن سخن نگفته است.^{۱۰} در فقه شافعی، درباره بدل داشتن قربانی احصار، دو سخن یافت می‌شود که سخن مشهور، وجود بدل است. برخی معتقدان به وجود بدل، قائل به وجوب اطعام؛ بعضی به وجوب ۱۰ روز روزه‌گیری؛ و شماری به تخییر میان اطعام و ۱۰ روز روزه‌گیری هستند.^{۱۱} فقیهان حنبلی بر آنند که بدل قربانی احصار ۱۰ روز روزه گرفتن است.^{۱۲} مستند شافعیان و حنبلیان برای وجود بدل قربانی احصار، قیاس است؛ یعنی از آن‌رو که وجوب قربانی در حج تمتع بدل دارد، وجوب قربانی احصار نیز باید بدل داشته باشد.^{۱۳} در فقه مالکی از آن‌جا که قربانی احصار واجب شمرده نشده، بدل نیز در میان نیست.^{۱۴}

«**ب. مکان ذبح قربانی:** به نظر مشهور فقیهان امامی، مکان ذبح قربانی محصور، اگر در حال ادای حج باشد، مناسک و اگر در حال گزاردن عمره باشد، مکه است.^{۱۵} مکان ذبح قربانی مصدود، همان محلی است که در آن‌جا بازداشته شده است.^{۱۶} مستند این نظر،

۱. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۹۳-۹۴.
۲. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۲؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۰۰.
۳. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۸۶؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۲۹۱.
۴. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۸؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۸۶.
۵. کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۰۶-۳۰۷؛ الحدائق، ج ۱۶، ص ۲۳-۲۴؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۶. المعتمد، ج ۵، ص ۴۶۲، «کتاب الحج»؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۲۲۵؛ مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۱۹۰.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۷-۱۸۸.
۸. کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۰۶؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۳.
۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۰.

۱۰. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۹.
۱۱. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۹-۳۰۰.
۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۱۰.
۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۵؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۹.
۱۴. نک: المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۶؛ فتح العزیز، ج ۸، ص ۱۳؛ مختصر خلیل، ص ۷۷.
۱۵. السرائر، ج ۱، ص ۶۲۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۷۹.
۱۶. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۴؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۴۱.

۱۹۶ بقره/۲ مقصود از ﴿حَمَلَهُ﴾ حرم است^۲:
﴿وَلَا تَحْلِفُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾

◀ ج. زمان ذبح قربانی: به باور مشهور فقیهان امامی، زمان قربانی محصور در حج، روز عید قربان است.^{۱۳} به استناد روایات، شخص محصور، قربانی یا بهای آن را از طریق فردی به منا می‌فرستد و با او وعده می‌کند (مواعده) که در روز عید قربان، آن را ذبح کند تا محصور از احرام بیرون آید.^{۱۴} برخی از فقیهان امامی زمان ذبح قربانی را روز عید قربان و ایام تشریق* (روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی‌حجه)^{۱۵} و بعضی آن را نامعین و منوط به اراده طرفین مواعده دانسته‌اند.^{۱۶} اگر احصار در عمره باشد، به باور فقیهان امامی^{۱۷}، به استناد ادله‌ای مانند اطلاق روایت‌ها^{۱۸}، ذبح قربانی زمان خاص ندارد و به اختیار شخص محصور وابسته است. فقیهان امامی^{۱۹} به استناد

حدیث‌هایی مانند موثقه زرعه^۱ و صحیحه معاویه بن عمار^۲ است. اندکی از فقیهان امامی به استناد حدیثی^۳ مکان ذبح قربانی را برای محصور و مصدود، همان محل حصر و صد دانسته‌اند.^۴ به استناد حدیث‌هایی دیگر^۵، برخی سخنان متفاوت در فقه امامی دیده می‌شود؛ از جمله: ارسال قربانی در حج واجب به منا و ذبح قربانی در حج مستحب در محل احصار^۶ و تخییر میان ارسال قربانی به منا و ذبح قربانی در محل احصار.^۷

فقیهان شافعی^۸ و حنبلی^۹ مکان ذبح قربانی را برای شخص محصور، همان مکان حصر می‌دانند؛ بدین استناد که پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام احصار در حدیبیه، نحر شتر را همان جا انجام داد.^{۱۰} فقیهان حنفی مکان ذبح قربانی را منطقه حرم دانسته‌اند^{۱۱}؛ بدین استناد که در آیه

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۳.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۵.

۴. المقنع، ص ۲۴۴.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۵؛ المقنع، ص ۴۴۶.

۶. المراسم العلویه، ص ۱۱۷.

۷. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۵۱؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۳۰۴؛ مجمع الفائده، ج ۷، ص ۴۱۴.

۸. فتح العزیز، ج ۸، ص ۱۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۹. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۹.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۳؛ فتح العزیز، ج ۸، ص ۱۷-۱۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۱۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۹.

۱۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۹.

۱۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۳۸؛ مناسک حج، امام خمینی، ص ۵۱۲.

۱۴. تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۱۵. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۴۴.

۱۶. مناسک الحج، خوبی، ص ۲۰۹؛ مناسک الحج، روحانی، ص ۱۸۷؛ مناسک الحج، تبریزی، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۱۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۷۳؛ الوسیله، ص ۱۹۳.

۱۸. تهذیب، ج ۵، ص ۳۷۳.

۱۹. السرائر، ج ۱، ص ۶۴۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۹۰.

و وجوب تخییری حلق یا تقصیر.^{۱۱} برخی فقیهان نیز از باب احتیاط قائل به حلق یا تقصیر شده‌اند.^{۱۲} مستند این سخنان^{۱۳} حدیث‌های گوناگون درباره احصار و صد است.^{۱۴} برای تحلیل محصور نیز برخی از فقیهان امامی^{۱۵} به استناد حدیث‌هایی^{۱۶}، تقصیر؛ و بعضی^{۱۷} به استناد روایت‌های دیگر^{۱۸} حلق را لازم شمرده‌اند. برخی^{۱۹} در عمره تمتع قائل به تقصیرند؛ و در حج به تخییر میان حلق و تقصیر باور دارند. برخی دیگر با جمع کردن میان دو دسته روایت، در همه موارد به تخییر میان حلق و تقصیر قائل شده‌اند.^{۲۰} به نظر مشهور فقیهان شافعی^{۲۱} و برخی از فقیهان حنبلی^{۲۲} برای تحلیل مُحصر، حلق لازم

حدیث‌هایی^۱، زمان ذبح قربانی مصادود را همان زمانی دانسته‌اند که بازدارندگی دشمن تحقق می‌یابد.

به نظر فقیهان شافعی^۲، حنبلی^۳ و برخی حنفیان از جمله ابوحنیفه^۴، ذبح قربانی برای محصور دارای زمان خاص نیست؛ زیرا آیه ۱۹۶ بقره/۲ مطلق است و زمانی ویژه را معین نکرده است: ﴿فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾.^۵ به باور برخی از دیگر فقیهان حنفی، زمان قربانی محصر در حج، هشتم و نهم و دهم ذی‌حجه و در عمره، نامعین است؛ زیرا اعمال حج، از جمله ذبح قربانی، زمانی خاص دارد؛ ولی اعمال عمره به زمانی ویژه مقید نیست.^۶

۵. **حلق و تقصیر:** در فقه امامی، درباره حکم حلق* و تقصیر* برای مصادود در حج و

عمره، چند نظر یافت می‌شود: واجب نبودن حلق و تقصیر^۱، و وجوب تقصیر^۲، و وجوب حلق^۳

۱۰. الکافی فی الفقه، ص ۲۱۸.
 ۱۱. اللعة دمشقیه، ص ۷۱؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۷۰.
 ۱۲. المعتمد، ج ۵، ص ۴۲۷. «کتاب الحج»؛ مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۱۸۴.
 ۱۳. نک: المعتمد، ج ۵، ص ۴۲۶-۴۲۸. «کتاب الحج».
 ۱۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۸-۳۶۹؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۰.
 ۱۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۵؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۵؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۴۷.
 ۱۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۸؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۱-۴۲۲.
 ۱۷. الکافی فی الفقه، ص ۲۱۸؛ غنیة النزوع، ص ۱۹۵.
 ۱۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۵.
 ۱۹. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۹۶؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۰۱.
 ۲۰. کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۱۸.
 ۲۱. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۹.
 ۲۲. المعنی، ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۱۰.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹.
 ۲. نک: فتح العزیز، ج ۸، ص ۱۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰۴.
 ۳. المعنی، ج ۳، ص ۳۷۳.
 ۴. نک: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۷؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱.
 ۵. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۱۰؛ تبیین الحقائق، ج ۲، ص ۷۹.
 ۶. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱.
 ۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ تبیین الحقائق، ج ۲، ص ۷۹.
 ۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۱.
 ۹. المراسم العلویه، ص ۱۱۷؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۳.

عمره محصور، مستحب باشد، قضای حج ناتمام لازم نیست؛ اما اگر حج بر عهده او مستقر شده باشد، قضای آن واجب است. اگر حج یا عمره واجب، غیر مستقر باشد، قضای آن لازم نیست؛ مگر آن که وی دیگر بار مستطیع شود. مستند وجوب قضا در حج یا عمره واجب مستقر، برخی روایات^{۱۱} و نیز عمومیت دلیل وجوب است که وجوب قضا در صورت انجام ندادن واجب را اقتضا می‌کند. دلیل واجب نبودن قضای حج یا عمره مستحب، اصل برائت، اجماع و نیز آن است که پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان عمره فوت شده در رویداد حدیبیه را قضا نکردند و ایشان هیچ یک از اصحاب حاضر در آن رویداد را به قضا مکلف نساخت.^{۱۲} به نظر اینان، عمره سال بعد پیامبر ﷺ و شماری از اصحاب، قضای عمره فوت شده حدیبیه نبوده است. افزون بر این، رفتار ایشان بر جواز قضا دلالت دارد، نه وجوب آن.^{۱۳}

فقیهان حنفی، افزون بر وجوب قضای حج یا عمره واجب محصر، به وجوب قضای حج یا عمره مستحب نیز باور دارند.^{۱۴} مستند آنان لزوم اتمام عملی است که آغاز کردنش

است. مستند آن‌ها، حدیث‌هایی مانند روایت ابن عمر است که بر حلق پیامبر گرامی ﷺ در رویداد حدیبیه دلالت دارند.^۱ مالکی‌ها^۲ و بیشتر فقیهان حنفی، جز ابویوسف^۳ و برخی از فقیهان حنبلی^۴ حلق را برای تحلل محصر لازم ندانسته‌اند؛ بدین استناد که آیه ۱۹۶ بقره ۲/ تنها قربانی کردن را بر محصر واجب کرده: ﴿فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾.

افزون بر آن، حلق از کارهای حج به شمار می‌رود و انجام کارهای حج بر محصر واجب نیست.^۵ بخش دیگر آیه ۱۹۶ بقره ۲/ ﴿وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾ بر اباحه حلق پس از رسیدن قربانی به محل خود دلالت دارد، نه وجوب آن؛ زیرا امر پس از نهی، بر اباحه دلالت می‌کند.^۶

۶۷. قضای حج و عمره: بر پایه فقه

امامی^۷، شافعی^۸، مالکی^۹ و حنبلی^{۱۰}، اگر حج یا

۱. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۶۹؛ ج ۵، ص ۸۵.

۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۴؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹۴.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۷.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۵. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۰.

۶. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۲.

۷. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ الدروس، ج ۱، ص ۴۸۲؛ موسوعة

الامام الخوئی، ج ۲۹، ص ۴۲۷-۴۲۸.

۸. مختصر مزنی، ص ۷۲؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰۶؛ مغنی المحتاج،

ج ۱، ص ۵۳۷.

۹. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۹؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۹۵.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۲.

۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۰؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۱۲. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۶-۴۲۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۲.

۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۶.

۱۴. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۲.

و خوب نداشته، ولی صحیح بوده است.^۱ دیگر مستند آنان عمره القضا^{*} پیامبر گرامی ﷺ است که سال پس از حصر حدیبیه به جا آورد، در حالی که عمره سال پیش مستحب بود.^۲

بر پایه فقه حنفی، اگر شخص محصور حج به جا می آورده، باید یک حج قضا برای آغاز حج و یک عمره قضا برای تحلل بگزارد و اگر عمره به جا می آورده، باید یک عمره قضا انجام دهد. نیز اگر وی حج قران می گزارده، باید یک حج قضا و دو عمره قضا به جا آورد که یکی از آن دو برای قران و دیگری برای تحلل است.^۳ مستند حنفیان در این حکم، روایت برخی صحابه مانند ابن مسعود و ابن عباس است که در حج هم قضای حج و هم قضای عمره را برای محصر واجب شمرده اند.^۴ دیگر فقیهان اهل سنت^۵ به حدیث‌هایی استناد کرده اند که در قضای حج سخنی از عمره اضافی به میان نیاورده اند.^۶

- به نظر مشهور امامیان، به استناد
-
۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۷.
 ۲. نک: مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۶.
 ۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۸؛ الدر المختار، ج ۲، ص ۶۵۲.
 ۴. احکام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۳۲۶؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۷.
 ۵. احکام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۳۳۶.
 ۶. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۸؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۱۷.

حدیث‌هایی^۷، اگر حج یا عمره محصور مستحب باشد، باید شخصی را نایب سازد تا طواف نساء را به نیابت از او به جا آورد.^۸

▼ ۷. اشتراط تحلل: به نظر مشهور فقیهان امامی^۹، حنبلی^{۱۰} و شافعی^{۱۱} اشتراط تحلل^{*} در هنگام احرام صحیح است؛ یعنی انسان هنگام احرام شرط کند که اگر بیمار شود یا توشه سفر او پایان یابد یا به سبب منع ظالمی نتواند حج را به پایان رساند، از احرام بیرون آید. بر این اساس، هرگاه یکی از این موانع تحقق یابد، چنین شرطی نافذ است و او می تواند از احرام خارج شود.

مالکیان^{۱۲} و حنفیان^{۱۳} چنین شرطی را صحیح و نافذ ندانسته اند. پشتوانه باورداران جواز شرط تحلل، ادله‌ای مانند اجماع^{۱۴}، روایات^{۱۵} و اصل صحته شرطی است که شرعاً

-
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۴؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۳.
 ۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۳؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۷۹.
 ۹. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۳؛ الجامع للشرائع، ص ۲۰۴؛ موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۹، ص ۴۴۶.
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۷.
 ۱۱. المجموع، ج ۸، ص ۳۱۰؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۴۶.
 ۱۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۳.
 ۱۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۸.
 ۱۴. الانتصار، ص ۲۵۸؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۳۴.
 ۱۵. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۶؛ صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ الکافی، ج ۴، ص ۳۳۱-۳۳۲.

تعمیل تحلل^۱ یعنی لازم نبودن انتظار برای رسیدن قربانی به محل ذبح در احصار به سبب بیماری، لزوم نداشتن قضای حج در سال آینده^۱، حصول تحلل از همه محرّمات احرام حتی کامیابی جنسی.^{۱۱} (← اشتراط تحلل*)

۸. **زوال احصار:** به نظر فقیهان امامی، اگر احصار پیش از ذبح قربانی از میان رود، به پایان رساندن عمره یا حج واجب است، مشروط بر آن که زمان انجام دادن حج باقی باشد و استطاعت از میان نرفته باشد^{۱۲}؛ زیرا به استناد ادله فقهی از جمله آیه ۱۹۶ بقره/۲: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ و روایات^{۱۳}، اتمام حج و عمره واجب است.^{۱۴} اگر امکان ادای فریضه حج فراهم نباشد، مانند آن که وقوف در مشعر و عرفات در زمان ویژه امکان نیابد، به استناد ادله فقهی^{۱۵}، باید با عمره مفرده تحلل صورت گیرد.^{۱۶}

۹. المختصر النافع، ص ۱۰۰؛ اللعة الدمشقیه، ص ۷۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۶۳؛ ج ۲، ص ۱۱۳.

۱۰. نک: تهذیب، ج ۵، ص ۲۹۶؛ معتمد العروه، ج ۲، ص ۵۱۵-۵۱۶.

۱۱. نک: کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۱۶؛ کشف الغطاء، ج ۲، ص ۴۴۶.

نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۱۲. المیسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ النهایه، ص ۲۸۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۳.

۱۳. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۳۰۷؛ المعتمد، ج ۵، ص ۴۵۶؛ «کتاب الحج».

۱۴. المعتمد، ج ۵، ص ۴۵۶؛ «کتاب الحج».

۱۵. مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۵۵؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۵۶.

۱۶. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۳؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۶؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۳۲۲.

ممنوع نشده باشد.^۱ در صورت اشتراط تحلل، برخی فقیهان شیعه به وجوب قربانی^۲ و برخی به عدم وجوب آن اعتقاد دارند.^۳ مستند هر دو گروه، برخی از روایات هستند.^۴

شافعیان بر آنند که در صورت اشتراط، هنگامی برای تحلل، ذبح قربانی لازم است که محصور شرط کرده باشد اگر مانعی پیش آید، پس از ذبح قربانی تحلل یابد. در غیر این صورت، شافعیان درباره وجوب قربانی برای تحلل اختلاف نظر دارند.^۵

حنبلیان به واجب نبودن قربانی باورمندند.^۶ مستند قائلان به وجوب قربانی، عمومیت آیه ۱۹۶ بقره/۲: ﴿فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ و نیز اصل احتیاط است.^۷ پشتوانه باورداران عدم وجوب قربانی، لزوم ترتیب اثر دادن به شرط صحیح شرعی است.^۸ در منابع فقه امامی، آثاری گوناگون برای اشتراط تحلل در هنگام احرام یاد شده است؛ از جمله:

۱. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۷.

۲. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱؛ اللعة الدمشقیه، ص ۷۰.

۳. الانتصار، ص ۲۵۸؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۴۱؛ الجامع للشرائع، ص ۲۲۲.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۳؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۶۹؛ تهذیب، ج ۵، ص ۸۱.

۵. فتح العزیز، ج ۸، ص ۱۰-۱۱؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۱۱؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۳۴.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۳، ۳۷۷.

۷. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱.

۸. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۳.

به باور فقیهان شافعی، با زوال احصار در حج مستحب، حتی اگر وقت برای تجدید احرام و ادای دیگر باره حج باشد، وظیفه‌ای بر عهده محصور نیست. در حج واجب نیز اگر زمان کافی برای تجدید احرام و حج باقی نمانده باشد، همین حکم جاری است؛ اما اگر زمان ادای مناسک حج نگذشته باشد، حج همچنان بر او واجب است؛ گرچه می‌تواند آن را به تأخیر اندازد. به باور دیگر مذاهب اهل سنت، در صورت زوال احصار و باقی بودن زمان کافی، باید مناسک حج ادا شود؛ زیرا وجوب حج نزد آنان فوری است.^۱ بر پایه فقه حنفی، اگر برای محصر امکان ذبح قربانی و ادای مناسک حج فراهم آید، باید حج را کامل به جا آورد و نمی‌تواند با قربانی کردن از احرام بیرون آید؛ ولی اگر امکان ذبح قربانی یا ادای مناسک حج و یا هر دو را نداشته باشد، تحلیل جایز است.^۲

◀ منابع

۱. **احصار و الصد:** السید الکلبایگانی (م. ۱۴۱۳ق.)؛ احکام القرآن: ابن ادریس الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، به کوشش عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه،

۱. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۷.

۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۱۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۷۴؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۱۰؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۷-۴۱۹؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۳.

۱۴۰۰ق؛ احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش حسن الامین، بیروت، دار التعارف؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ الانتصار: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق؛ البحر الرائق: ابونجیم المصری (م. ۹۷۰ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاشانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة الحبیبیه، ۱۴۰۹ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ حج گزاری ایرانیان: اسراء دوغان، مشعر، ۱۳۸۹ش؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق: عثمان بن علی الزیلعی، بیروت، دار المعرفه؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ق؛ تحفة الفقهاء: علاء الدین السمرقندی (م. ۵۳۵-۹ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ تذکرة الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ تفسیر صنعانی (تفسیر عبدالرزاق): عبدالرزاق صنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش مصطفی مسلم، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۱۰ق؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الجامع للشرایع: یحیی بن سعید

الحلى (م. ١٢٩٠ق.)، به كوشش گروهی از فضلا، قم، سيد الشهداء، ١٤٠٥ق؛ **جامع المقاصد**: الكركى (م. ١٢٤٠ق.)، قم، آل البيت عليه السلام، ١٤١١ق؛ **جواهر الكلام**: النجفى (م. ١٢٦٦ق.)، به كوشش قوچانى و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **حاشية الدسوقي**: الدسوقي (م. ١٢٣٠ق.)، احياء الكتب العربية؛ **حاشية رد المحتار**: ابن عابدين (م. ١٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الحدائق الناضرة**: يوسف البحرانى (م. ١١٨٦ق.)، به كوشش آخوندى، قم، نشر اسلامى، ١٣٦٣ش؛ **الخلافة الطوسى** (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش سيد على خراسانى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ١٤١٨ق؛ **الدر المختار**: الحصكفى (م. ١٠٨٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الدروس الشرعية**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٢ق؛ **ذخيرة المعاد**: محمد باقر السبزواري (م. ١٠٩٠ق.)، آل البيت عليه السلام؛ **الروضه البهيه**: الشهيد الثانى (م. ٩٦٥ق.)، به كوشش كلانتر، قم، مكتبة الداورى، ١٤١٠ق؛ **روضه الطالبين**: النووى (م. ٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **رياض المسائل**: سيد على الطباطبائى (م. ١٢٣١ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٢ق؛ **السرائر**: ابن ادريس (م. ٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١١ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ **سنن ابى داود**: السجستاني (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلى (م. ٦٧٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازى، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **شفاء الغرام**: محمد الفاسى (م. ٨٣٢ق.)، به كوشش مصطفى محمد، مكه، النهضة الحديثه، ١٩٩٩م؛ **الصحاح الجوهري** (م. ٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **صحيح البخارى**: البخارى (م. ٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛

صحيح مسلم: مسلم (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **عوائد الايام**: احمد التراقى (م. ١٢٤٥ق.)، قم، الاعلام الاسلامى، ١٣٧٥ش؛ **العين**: خليل (م. ١٧٥ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائى، دار الهجره، ١٤٠٩ق؛ **غنيمة النزوع**: الحلبى (م. ٥٨٥ق.)، به كوشش بهادرى، قم، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ١٤١٧ق؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد الرافعى (م. ٦٢٣ق.)، دار الفكر؛ **فقه الصادق عليه السلام**: سيد محمد صادق روحانى، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق؛ **قواعد الاحكام**: العلامة الحلى (م. ٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٣ق؛ **القواعد والفوائد**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، به كوشش سيد عبدالهادى، قم، مكتبة المفيد؛ **الكافي**: الكلينى (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **الكافي فى الفقه**: ابوالصلاح الحلبى (م. ٤٤٧ق.)، به كوشش استنادى، اصفهان، مكتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، ١٤٠٣ق؛ **الكامل فى التاريخ**: ابن اثير على بن محمد الجزرى (م. ٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٨٥ق؛ **كتاب الحج**: محاضرات الخوئى (م. ١٤١٣ق.)، الخلالى، قم، مدرسة دار العلم، ١٤١٠ق؛ **كشاف القناع**: منصور البهوتى (م. ١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **كشاف الغطاء**: كاشف الغطاء (م. ١٢٢٧ق.)، مهدوى، اصفهان؛ **كشاف اللثام**: الفاضل الهندى (م. ١١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٦ق؛ **اللباب فى شرح الكتاب**: عبدالغنى الغنيمى، دار السلام، ١٣٨١ق؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م. ٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **اللمعة دمشقيه**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، به كوشش كورانى، قم، دار الفكر، ١٤١١ق؛ **المبسوط فى فقه الاماميه**: الطوسى (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، المكتبة المر تضيويه؛ **المبسوط**: السرخسى (م. ٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ **مجمع الفائدة و البرهان**: المحقق الاردبيلى (م. ٩٩٣ق.)، به

كوشش عراقي و ديگران، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق؛ **المجموع شرح المهذب**: النووي (م.١٧٦٦ق.)، دار الفكر؛ **مختصر المزنّي**: المزنّي (م.٢٦٢٣ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ **المختصر النافع**: المحقق الحلّي (م.١٧٦٦ق.)، تهران، البعثه، ١٤١٠ق؛ **مختصر خليل**: محمد بن يوسف (م.٨٩٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق؛ **مختلف الشيعه**: العلامة الحلّي (م.٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٢ق؛ **مدارك الاحكام**: سيد محمد بن علي الموسوي العاملي (م.١٠٠٩ق.)، قم، آل البيت عليه السلام، ١٤١٠ق؛ **المدونة الكبرى**: مالك بن انس (م.١٧٩ق.)، مصر، مطبعة السعاده؛ **المراسم العلويه**: سلار حمزة بن عبدالعزيز (م.١٤٤٨ق.)، به كوشش حسيني، قم، المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام، ١٤١٤ق؛ **مسالك الافهام الي تنقيح شرائع الاسلام**: الشهيد الثاني (م.٩٦٥ق.)، قم، معارف اسلامي، ١٤١٦ق؛ **مستند الشيعه**: احمد التراقي (م.١٢٤٥ق.)، قم، آل البيت عليه السلام، ١٤١٥ق؛ **مطالب اولي النهي في شرح غاية المنتهى**: مصطفى السيوطي، دمشق، المكتب الاسلامي؛ **معتمد العروة الوثقى**: محاضرات الخوئي (م.١٤١٣ق.)، الخلخال، قم، مدرسة دار العلم، ١٤٠٤ق؛ **المعتمد في شرح المناسك**: محاضرات الخوئي (م.١٤١٣ق.)، الخلخال، قم، مدرسة دار العلم، ١٤١٠ق؛ **معجم الفروق اللغويه**: ابوهلال العسكري (م.٣٩٥ق.)، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٢ق؛ **معجم مقاييس اللغه**: ابن فارس (م.٣٩٥ق.)، به كوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبليغات، ١٤٠٤ق؛ **مغنى المحتاج**: محمد الشرييني (م.٩٧٧ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٧٧ق؛ **المغنى**: عبدالله بن قدامه (م.٢٠٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **المقنع**: الصدوق (م.٣٨١ق.)، قم، مؤسسة الامام الهادي عليه السلام، ١٤١٥ق؛ **المقنع**: المفيد (م.٤١٣ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٠ق؛ **من لا يحضره الفقيه**:

الصدوق (م.٣٨١ق.)، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٤ق؛ **مناسك حج**: جواد تبريزي، قم، ١٤١٤ق؛ **مناسك حج**: سيستاني، ١٤١٣ش؛ **مناسك حج**: سيد محمد روحاني، قم، مؤسسة المنار؛ **مناسك حج**: با حاشيه امام خميني، مشعر، ١٣٨٠ش؛ **مناسك حج**: محمد تقى بهجت، ١٤١٥ق؛ **مناسك حج**: وحيد خراساني؛ **منتهى المطلب**: العلامة الحلّي (م.٧٢٦ق.)، مشهد، آستان قدس رضوي، ١٤١٢ق؛ **مواهب الجليل**: الحطاب الرعييني (م.٩٥٤ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق؛ **موسوعة الامام الخوئي** (م.١٤١٣ق.)؛ **احياء آثار الخوئي**، قم؛ **الموطأ**: مالك بن انس (م.١٧٩ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٦ق؛ **المهدي** عليه السلام **المنتظر في ضوء الاحاديث و الآثار الصحيجه**: عبدالعظيم البستوي، مكه، المكتبة المكيه؛ **المهذب البارع**: ابن فهد الحلّي (م.٨٤١ق.)، به كوشش العراقي، قم، النشر الاسلامي، ١٤٠٧-١٤١٣ق؛ **المهذب**: القاضي ابن البراج (م.٤٨١ق.)، به كوشش مؤسسه سيدالشهداء عليه السلام، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٦ق؛ **النهايه**: ابن اثير مبارك بن محمد الجزري (م.٦٠٦ق.)، به كوشش محمود محمد و طاهر احمد، قم، اسماعيليان، ١٣٦٧ش؛ **وسائل الشيعه**: الحر العاملي (م.١١٠٤ق.)، قم، آل البيت عليه السلام، ١٤١٢ق؛ **الوسيلة الي نيل الفضيله**: ابن حمزه (م.٥٦٠ق.)، به كوشش الحسنون، قم، مكتبة النجفي، ١٤٠٨ق.

محمد قدريان